

منجک

سال شانزدهم / شماره ۸۷ / آذرماه ۱۴۰۴

اولین انقلاب شیعه



انتظار فرج، فقط این نیست که منتظر بنشینیم، دعا کنیم که خدا حضرت را برساند، که البته این یکی از کارهای واجب است، باید دعا کنیم، باید بخواهیم، دنبال کنیم اما فقط این نیست. انتظار فرج، یعنی در همه‌ی کارهایی که مشکلی وجود دارد، باید فرض وقوع فرج مورد نظر ما یکی از فرض‌های مسلمی باشد که هست، انسان، منتظر باشد. البته شرایطی دارد، باید کار کنیم. انتظار فرج خوردن نان با رفتن به نانواپی و خریدن نان و آوردن است دیگر، وَاَلَا با نشستن، که نان خودش نمی‌آید. باید یک حرکتی انجام بگیرد تا این که انتظار فرج انجام بگیرد.

بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان و نمایندگان تشکلهای دانشجویی

۱۴۰۲/۱/۲۹



ماهنامه **منهج** | آذر ۱۴۰۴ | شماره ۸۷

صاحب امتیاز: بنیاد و مؤسسه فرهنگی
حضرت مهدی موعود علیه السلام فارس
مدیرمسئول: استاد حاج شیخ علیرضا حدائق
سر دبیر: حجت الاسلام محمدحسین حدائق
هیأت تحریریه: خانم نادری، آقایان غیبی
و امامی

شیراز، خیابان زند، کوچه ۴۴ (مهدیه)، مجتمع
فرهنگی آموزشی مهدویت، بنیاد و مؤسسه
فرهنگی حضرت مهدی موعود علیه السلام فارس



سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران



سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

از علاقه مندان به مطالب مهدوی دعوت به
عمل می آید جهت استفاده از مطالب متنوع
مهدوی به سایت www.bonyademahdli.com
مراجعه نمایند.

شماره تماس: ۰۷۱-۳۲۳۰۲۳۱۵

فهرست مطالب

سخن سردبیر **۴**

در محضر شهدا **۶**

دقایقی پای خاطرات استاد **۱۱**

نقش اعتقد به مهدویت در

زندگی **۱۴**

رسانه **۱۸**

عدالت فراگیر **۲۳**

داستان جدایی **۲۹**

ریشه دشمنی **۳۱**

اندکی درنگ **۳۹**

مهدویت و مقاومت، آینده نگری

در میدان عمل **۴۶**

باستانگرایی **۴۹**

تلنگر **۵۳**

گزارش تصویری **۵۷**

سخن سردبیر

امام حسن عسکری علیه السلام می‌فرمایند: وَ تِلَاوَتُ الْقُرْآنِ؛^۱ و قرآن زیاد بخوانید. واضح و مبهرن است که منظور امام علیه السلام از تلاوت، خواندن و عمل به آیات قرآن است و گرنه کسانی که قرآن را می‌خوانند اما دستورات آن را انجام نمی‌دهند، جزء مؤمنین و پیروان واقعی ائمه علیهم السلام نمی‌توانند باشند.

رابطه‌ی تلاوت قرآن و دنیا، آن است که دنیا، خانه‌ی غفلت و فراموشی است و مومن با تلاوت قرآن، زنگار دل که همان غفلت و فراموشی روز جزاست را صیقل می‌دهد و آن را شفاف می‌کند، چون تلاوت قرآن، زنگار دل را از بین می‌برد.

رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله می‌فرمایند: إِنَّ هَذِهِ الْقُلُوبَ تَصْدَأُ كَمَا يَصْدَأُ الْحَدِيدُ قِيلَ: فَمَا جَلَاؤُهَا؟ قَالَ: ذِكْرُ اللَّهِ وَ تِلَاوَةُ الْقُرْآنِ؛^۲ این دل‌ها نیز همانند آهن، زنگار می‌بندد. عرض شد: ای رسول خدا! این زنگار با چه چیزی زدوده می‌شود؟ حضرت فرمودند: ذکر خدا و تلاوت قرآن.

کسانی که شب‌ها به تلاوت قرآن مشغول بوده و به خاطر انس با قرآن، شب زنده دار هستند و روزها در امور زندگی از قرآن الهام



گرفته و آن را نصب العین زندگی خود قرار می دهند، خداوند به خاطر وجود آنان، بلا را از جامعه دور کرده و به خاطر ایشان، باران رحمت خود را فرو می فرستد.
نبی مکرم اسلام ﷺ در جای دیگر می فرمایند: مَنْ قَرَأَ عَشْرَ آيَاتٍ فِي لَيْلِهِ لَمْ يَكُتَبْ مِنَ الْغَافِلِينَ، وَمَنْ قَرَأَ خَمْسِينَ آيَةً كُتِبَ مِنَ الذَّاكِرِينَ....^۳ هر کس در یک شب، ده آیه از قرآن بخواند، از غافلان به حساب نیاید و هر کس پنجاه آیه بخواند، از ذاکران به حساب آید...

پس هر شب با تلاوت حداقل ده آیه از قرآن کریم، می توان خود را از جرگه ی غافلان خارج کرد. البته واضح است که منظور از این تلاوت، نه تلاوت صرف که بخواد فقط ثواب آن را بدست آورد یعنی تلاوت به همراه تصمیم برای دور شدن از غفلت و فراموشی است که می تواند کارساز باشد و انسان را نجات دهد.
و چه زیباست که انسان پس از هر تلاوت، هدیه ثواب آن را برای سلامتی امام حی و حاضر خود و تعجیل در فرج ایشان قرار دهد.

- ۱- تحف العقول، ص ۴۸۷ - بحار الأنوار، ج ۷۸، ص ۳۷۲ ح ۱۲
- ۲- قطب الدین راوندی، الدعوات (سلوة الحزین)، ص ۲۳۷
- ۳- الکافی، ج ۲، کِتَابُ فَضْلِ الْقُرْآنِ،
بَابُ ثَوَابِ قِرَاءَةِ الْقُرْآنِ، ص ۶۱۲



شبییه

در عملیات کربلای ۸ شهید شد، جنازه اش در منطقه ماند. حاج حسین خرازی من را فرستاد تا دنبالش بگردم. به منطقه که رفتم، همه جا را آب گرفته بود، هرچی گشتم اثری از علی نبود. خبرش را به حاجی دادم، باورش نشد. خودش آمد و با هم گشتیم، فایده‌ای نداشت، جنازه‌ی علی ماند که ماند...

علی دو سال قبل توی بقیع، به بانوی مدینه، متوسل شده و خواسته بود شهید که شد، شبیه ایشان بی مزار بماند. حاجتش را گرفت. همان طور که می‌خواست گمنام باقی ماند و بدون مزار...

هدیه

در روز ولادت حضرت زهرا (ع)، که مصادف با روز زن بود، سجاد با چهره‌ای گشاده به خانه برگشت و از من پرسید: آیا راضی

محضرش را



هستی هدیه‌ای را که پادگان برای روز زن داده، به فرد نیازمندی ببخشی؟
گفتم: آره. و دیگر سؤالی نپرسیدم.

پس از شهادت ایشان یکی از دوستانش تعریف کرد: در دانشگاه، یکی از دانشجویان به دلیل مشکل مالی، توانایی خرید چادر را نداشت، از این رو حجاب کاملی نداشت. شهید پس از اطلاع از این موضوع، بی‌درنگ دست به کار شده و چادری را که به عنوان هدیه روز زن داده بودند، با نیتی خالصانه به آن دانشجو هدیه داد. به لطف این اقدام سنجیده و خیرخواهانه، آن دانشجو از آن پس با حجاب برتر در دانشگاه حاضر شد و این خاطره، نمادی ماندگار از توجه شهید به ترویج فرهنگ عفاف و حجاب بود.^۲

کار مداوم

ابراهیم به مهدی که گوشه‌ی تعمیر گاه در حال جوشکاری بود، اشاره کرد و گفت: هشت شبانه روزه که یگ بند داره کار می‌کنه، نه خواب داره و نه بیداری. تا همین نیم ساعت پیش بهداری بود و سُرُم توی دستش. ولی انگار نه انگار ...

هنوز حرفش تمام نشده بود که به سمت مهدی دوید. او روی لبه قایق خوابش برده بود و جوش داشت روی دستش جرقه می‌زد. چهار دست و پایش را گرفتیم که او را بیرون ببریم ولی مهدی دست و پا می‌زد و نمی‌گذاشت که او را ببریم و می‌گفت: هنوز کارم تموم نشده، این قایق باید برای عملیات آماده بشه، من قول دادم ...^۳

نشانی

حمید قبادی نیا به آرزوی دیرینه خود یعنی شهادت رسید اما جنازه‌ی ایشان

پیدا نشد. نعمت الله سلیمانی دوست و هم‌رزم ایشان نقل می‌کند: دم
دمای صبح خوابم برد، خواب دیدم حمید اومده، گفتم: کجایی مرد حسابی؟
مگر قرار نشد بیایی دنبال؟ پس چرا نیستی؟ کجایی؟

حمید گفت: من همان جا هستم، پانزده متری نفربر سمت چپ، نوک پوتینم
از شن بیرون مانده، اگر بیایی، پیدا می‌کنی.

در حالی که خیس عرق بودم، از خواب پریدم. دنبال رضا رفته و گفتم: من
می‌دونم حمید کجاست! رضا خندید و گفت: تو که عملیات نبودی، از کجا
می‌دونی؟ گفتم: کار به این کارها نداشته باش، پاشو بریم. گفت: آخه...
براش تعریف کردم چه خوابی دیدم. چون و چرا نکرد و با هم رفتیم، همان
جایی که حمید نشانی داده بود. خدا شاهد است وقتی منطقه را دیدم،
احساس کردم قبلاً آن جا را دیده یا آن جا بودم.

رضا گریه می‌کرد و می‌گفت: آخه چطور میشه باور کرد؟ تو که اصلاً این جا
نیومده بودی؟ ...

آری! این چنین بود که حمید، این سرباز جان بر کف روح الله، بعد از نه روز
که در منطقه عملیاتی رقابیه باقیمانده بود به لطف الهی بدون کوچکترین
تغییری، پیدا شد.^۴

روز سخت

دانشکده فنی کرمان آن روزها محل اعزام نیرو به جبهه بود. از همه
شهرستان‌های استان کرمان بسیجی‌های آماده نبرد، در ساختمان دایره شکل
دانشکده فنی، جمع شده بودند. روز اعزام رسیده بود. حاج قاسم سلیمانی
(فرمانده لشکر ثارالله) که جوانی جذاب بود، دستور داده بود همه نیروها، در
زمین فوتبال جمع شوند. در دسته‌های پنجاه نفری روی زمین چمن نشستیم.

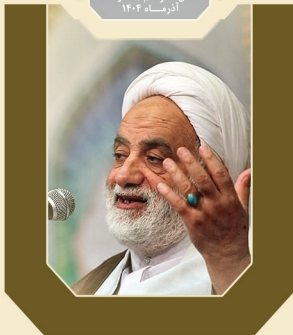
حاج قاسم میان نیروها قدم می‌زد و یک به یک آن‌ها را برانداز می‌کرد. پشت سرش محمد (میثم) افغانی (که در عملیات بیت المقدس به شهادت رسید) راه می‌رفت. او آمده بود نیروها را غربال کند. نیروهایی را که سن و سالی نداشتند، از صف بیرون می‌کشید و می‌گفت: شما تشریف ببرید پادگان، ان شالله اعزام‌های بعدی از شما استفاده می‌شود!

فرمانده تیپ نزدیک و نزدیک‌تر می‌شد و اضطراب در من بالا و بالاتر می‌رفت. خیلی سخت بود که از صف بیرونم کنند و حسرت شرکت در عملیات را بر دلم بگذارند. در آن لحظه با خودم می‌گفتم: این کیه که به جای من تصمیم می‌گیرد که بجنگم یا نجنگم؟ اصلاً اگر من مال جنگ نیستم، پس چرا روز اول گذاشتند به پادگان قدس بروم و آن جا یک ماه آموزش نظامی ببینم. اگر بنا نبود اعزام بشوم، پس چرا یونس زنگی آبادی، مسئول آموزش نظامی، ساعت سه بامداد سوت می‌زد و مجبورمان می‌کرد ظرف چهار دقیقه با سلاح و تجهیزات در زمین یخ‌زده‌ی پادگان قدس حاضر باشیم؟ اگر من بچه‌ام و به درد جبهه نمی‌خورم، پس چرا آقای شیخ بهایی، آن همه باز و بسته کردن انواع اسلحه را یادمان داد. آقای مهربانی چرا ساعت ۱ بعد از ظهر، در بیابان‌های کنار میدان تیر، آن طرف کوه‌های صاحب‌الزمان، ما را مجبور می‌کرد یک پوکه گم شده را در میان آن بیابان وسیع پیدا کنیم. دلم می‌خواست حاج قاسم می‌فهمید من فقط کمی قدم کوتاه است، وگرنه شانزده سال، سن کمی نیست! دلم می‌خواست جرأت داشتم، جلوییش بایستم و بگویم: آقای محترم شما اصلاً می‌دونید من دو ماه، سابقه جبهه دارم؟

وقتی حاج قاسم نزدیک شد، دیدم برخلاف بقیه فرماندهان نظامی، با تواضع و مهربانی اما تحکم نگاه می‌کند و به اعتراض اخراجی‌ها هم توجهی نمی‌کند.

با خود گفتم: کاش ریش داشتم. به کنار دستی‌ام، که هم ریش داشت و هم سبیل، غبطه خوردم. لعنت بر نوجوانی! که هیچ مویی روی صورتم نبود. باید صورتم را به سمتی دیگر می‌چرخاندم که حاج قاسم آن را نبیند. اما قدم چی؟ یک سر و گردن از دیگران پایین‌تر بودم، درست مثل دندان‌ه شکسته شانه‌ای میان صفی از دندان‌های سالم. باید برای آن دندان‌ه شکسته فکری می‌کردم. سخت بود. اما روی زانوهایم کمی بلند شدم، نه آن قدر که حاج قاسم فکر کند ایستاده‌ام و نه آن قدر که ببیند نشسته‌ام. حالتی میان نشسته و ایستاده بود، نیم‌خیز. از کوله پشتی‌ام هم برای فریب حاج قاسم کمک گرفتم. کلاه آهنی هم بی‌تاثیر نبود. کلاه آهنی بزرگ و کوچک ندارد. این امتیاز بزرگی بود که من در آن لحظه داشتم. با اجرای این نقشه، هم مشکل قد و هم مشکل بی‌ریشی‌ام حل شد. حاج قاسم هم دقت نکرد و رفت و نام من در لیست نهایی اعزام ماند، لیستی که به افراد اجازه می‌داد در ایستگاه راه‌آهن، پا روی پله‌های قطار بگذارند و با افتخار سوار شوند.^۵

- ۱- کتاب پنج دقیقه با بهشتیان ۸، بر اساس زندگی سردار شهید علی قوچانی، نویسنده: الهه حاجی‌حسینی با کمی دخل و تصرف
- ۲- کتاب فرمانده تخریب (زندگی‌نامه و خاطرات شهید مدافع حرم سجاد دهقان)، راوی: همسر شهید، نویسنده: سید محمد حسین حسینی با کمی دخل و تصرف
- ۳- کتاب باران و آتش: بر اساس زندگی سردار شهید مهدی زندی نیا فرمانده تیپ ادوات لشکر ۴۱ ثارالله، نویسنده: فرهاد حسن زاده با کمی دخل و تصرف
- ۴- کتاب آبادان من، نویسنده: نعمت‌الله سلیمانی با کمی دخل و تصرف
- ۵- کتاب آن بیست و سه نفر، خاطرات خود نوشته احمد یوسف زاده با کمی دخل و تصرف



دقایقی پای خاطرات استاد

دعوت اشتباه

گروهی از بازاریان شهری برای ایام فاطمیه از من دعوت کردند تا در مسجد بازار سخنرانی کنم. گفتم: آقایان! در این ایام باید از کسی دعوت کنید که درباره‌ی حضرت زهرا (علیها السلام) کتابی نوشته باشد. ثانیاً به جای مسجد، تمام دختران دانشجو و دانش آموز را در سالنی دعوت کنید تا ایشان درباره زن نمونه، صحبت کنند.

شما مرتکب چند اشتباه شده اید: انتخاب گوینده، انتخاب شنونده و انتخاب مکان. به جای آیت الله ابراهیم امینی نویسنده کتاب بانوی نمونه، مرا انتخاب کرده اید، به جای دخترها، پیرمردها و به جای دبیرستان، بازار را برگزیده اید. دعوت کنندگان ساکت شده و رفتند.

ضعف شدید

یک روز به علّت جلسات پی در پی و سخنرانی زیاد، در جلسه‌ی آخر، ضعف شدیدی پیدا کردم. ۵ دقیقه صحبت کردم اما ادامه آن مشکل شد، به حاضرین در جلسه گفتم: حال ندارم، ختم جلسه را اعلام کنید. اما آنان بر ادامه‌ی جلسه اصرار داشتند. گفتم: از گرسنگی، دچار ضعف شده‌ام. مقداری نان و پنیر و سبزی آورده و در همان بالای منبر به من دادند. مقداری خوردم و بعد صحبت را ادامه دادم.

کرامت

در سوریه به قصد زیارت حُجْرین عَدی یکی از یاران خاص حضرت علی (علیه السلام) حرکت کردیم. در بین راه، دخترم سؤال کرد: حُجْرین عَدی کیست؟ تا جایی که می‌دانستم، برایش توضیح دادم، از جمله گفتم: موقعی که امام حسن (علیه السلام) خواستند صلح نامه را قبول کنند یکی از شروط ایشان آن این بود که معاویه، حُجْر را آزاد کرده و اعدام نکند.

وقتی وارد زیارتگاه حُجْر شدیم، یک قفسه کتاب در آن جا بود و در میان آن‌ها کتابی ده جلدی به نام «وَأَعْلَمُوا أَنَّي فاطمه» قرار داشت. به طور اتفاقی یکی از جلدهای آن را برداشته و باز کردم، در کمال تعجب صفحه‌ای آمد که در آن حالاتی از حُجْر نوشته شده بود، از جمله این که گفته بود: «إِطْعَمُوا رَأْسِي فَوَاللَّهِ لَا أَتَبَّرُ مِنْ عَلِيٍّ ابْنِ أَبِي طَالِبٍ» اگر گردنم را نیز بزنید، به خدا قسم دست از علی (علیه السلام) بر نخواهم داشت. این

را کرامتی از آن بزرگوار دانستم.

سوء استفاده

برای سخنرانی در شهری ۲۰ شب دعوت شده بودم، بعد از ۵ شب فهمیدم برای رقابت و خط بازی، از جلسه من سوء استفاده می شود. از آنان خداحافظی کردم. گفتند: شما قول داده اید! گفتم: من مَرُوج اسلام هستم، نه وسیله هوس های این و آن.

اثر تربیتی

در اهواز کلاس های زیادی داشتم. در یکی از کلاس ها عنوان درسم این بود: چرا خداوند در دنیا ما را به جزای اعمالمان نمی رساند؟ برای این سؤال چند جواب آماده کرده بودم، ولی قبل از پاسخ به جوان ها گفتم: شما نیز فکر کنید و جواب بدهید. یکی از جوان ها بلند شد و جوابی داد، دیدم جواب خوبی است و آن جواب، در یادداشت های من نیست. قلم و دفتر خود را برداشته و همان جا یادداشت کرده و آن جوان را هم تشویق کرده و گفتم: من این را بلد نبودم. روز آخری که می خواستم از اهواز، بیرون بیایم، یکی از دبیران گفت: عکس العمل شما در مقابل آن دانش آموز و قبول و یادداشت جواب او، از همه سخنرانی های شما اثر تربیتی اش بیشتر بود.

کتاب خاطرات، حجت الاسلام قرائتی، با کمی دخل و تصرف



نقش اعتقاد به مهدویت در زندگی

اعتقاد به مهدویت، یعنی باور به ظهور منجی آخرالزمان حضرت مهدی عج، این اعتقاد باعث ایجاد امید، عدالت طلبی، اصلاح فرد و جامعه و تقویت روحیه مقاومت در برابر ظلم و فساد می‌شود. اعتقاد به ظهور امام زمان عج باعث می‌شود که انسان به آینده‌ی بهتر و اصلاح جامعه، امیدوار باشد و در نتیجه خود را به اخلاق نیک و عمل صالح آراسته نماید.

یکی از آثار اعتقاد به مهدویت، پرورش محبت و رحمت است. امام زمان عج مظهر رحمت و مهربانی هستند. اعتقاد به ایشان باعث می‌شود که اعضای خانواده نیز به مهربانی، محبت و گذشت نسبت به یکدیگر اهمیت داده و فضایی گرم و صمیمی فراهم کنند. باور به این که روزی باید پاسخگوی رفتار خود در پیشگاه خدا و امام زمان عج باشند، افراد را در خانواده مسئول‌تر

می‌کند و به رعایت حقوق همسر، فرزندان و والدین توجه می‌شود. یکی دیگر از آثار، تقویت روحیه صبر و استقامت است. انتظار ظهور امام زمان ع باعث می‌شود که افراد در برابر مشکلات و سختی‌های زندگی صبر کرده و از مسیر حق، منحرف نشوند. خداوند در قرآن در این زمینه می‌فرماید: **وَاصْبِرْ وَمَا صَبْرُكَ إِلَّا بِاللَّهِ**^۱ صبور باش و صبرِ تو، تنها به یاری خداست.

اعتقاد و انتظار ظهور حضرت مهدی ع به افراد یادآوری می‌کند که دنیا محل امتحان است و باید با مشکلات زندگی، صبورانه برخورد کنند. این صبر و تحمل در روابط خانوادگی، باعث کاهش تنش و حفظ آرامش می‌شود و صبر و امید به یاری الهی را در دل‌ها تقویت می‌کند. هم چنین باعث همبستگی بین مؤمنان شده و افراد را به حفظ وحدت و پرهیز از اختلافات، سفارش می‌کند. این امر در خانواده به معنای حل اختلافات با مدارا و اخلاق نیک است که به حفظ بنیان خانواده کمک می‌کند. امام صادق ع می‌فرماید: **سُئِلَ رَسُولُ اللَّهِ ص: مَنْ أَحَبَّ النَّاسَ إِلَى اللَّهِ ؟ قَالَ : أَنْفَعُ النَّاسِ لِلنَّاسِ**^۲ از پیامبر ص سؤال شد: دوست داشتنی ترین مردم در نزد خداوند کیست؟ فرمود: آن که برای مردم، سودمندتر باشد.

اعتقاد به مهدویت، انسان‌ها را به خدمت در اجتماع و کمک به دیگران ترغیب می‌کند و از خودخواهی و غرور، دور می‌نماید و هم چنین باعث کاهشِ ترس و اضطراب می‌شود.

یکی دیگر از آثار ارزشمندِ اعتقادِ به مهدویت در زندگی انسان‌ها، ایجاد روحیه‌ی نشاط و امید به زندگی است. این افراد معتقدند که سرنوشت آینده‌ی بشر در برابر این ظلم و جور و اجحاف‌هایی که امروز جامعه‌ی بشری را درگیر و گرفتار نموده، آینده‌ای روشن است. لذا آن‌هایی که معتقدند امام زمان (عج) خواهد آمد و بر اعمال ما ناظر است، این‌ها با عشق و انگیزه کار می‌کنند و هرگز ناامید نمی‌شوند. فرض کنید در یک مجموعه، افرادی مشغول کار هستند با این باور که، ناظری، کارها و زحمات آن‌ها را می‌بیند و زحمات آن‌ها فراموش نمی‌شود. این‌ها با یک جدیت و تلاش و دقتِ بهتری کار می‌کنند. اما اگر در مجموعه‌ای، افرادی کار کنند و دیدگاهشان این باشد که زحمات ما دیده نمی‌شود و کارهای ما، فراموش شده، این‌ها با یک دلسردی و بی‌حالی کار می‌کنند.

ما معتقدیم خدا و امام زمان (عج)، ناظر بر اعمال ما هستند، مردم بدانند یا ندانند، بفهمند یا نفهمند، آن نشاط و آن امید و آن تلاش، در زندگی انسان‌ها ایجاد خواهد شد.

هم چنین اعتقادِ به مهدویت، باعث سلامتِ رفتار و گفتار در زندگی می‌شود. وقتی که ما به مهدویت معتقدیم، تلاش ما بر این است که رفتار و گفتار ما در مسیری که مطابق با اهداف مهدویت باشد، قرار گیرد و تلاش ما در جهتی باشد که جامعه را برای آن حکومتِ جهانی مهیا نماید. باور به این که در نهایت عدالت و صلح برقرار خواهد شد، اضطراب و ترس‌های ناشی از بی‌عدالتی و ظلم کاهش می‌یابد و آرامش روحی افزایش

می‌یابد. همچنین انتظار ظهور امام زمان علیه السلام امید به آینده را زنده نگه می‌دارد و انسان را به اصلاح خود و جامعه تشویق می‌کند. مهدویت به‌عنوان مبدأ عدالت جهانی، امید به اصلاح کل جامعه و برقراری صلح و آرامش را ایجاد می‌کند که این خود در رفتارهای فردی و اجتماعی تأثیرگذار است.

خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ»^۱ خداوند به کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند وعده داده است که حتماً آنان را در روی زمین جانشین (دیگران) کند.»

پس می‌توان گفت اعتقاد به مهدویت، اخلاق فردی را به سوی تقوا، صبر و اصلاح سوق می‌دهد و اخلاق اجتماعی را در راستای عدالت، همپستگی و خدمت به دیگران تقویت می‌کند. این باور الهام‌بخش، امید به آینده‌ای بهتر و جامعه‌ای عادلانه است که در آن ظلم و فساد ریشه‌کن می‌شود.

۱- نحل/ ۱۲۷

۲- کافی، ج ۲، ص ۱۶۴، ح ۷

۳- نور/ ۵۵

در شماره گذشته به بیان مهارت ارتباط موثر، به عنوان یکی دیگر از راهکارهای مقابله با فعالیت‌های مُخرِب رسانه‌هایی که در زمینه‌ی فروپاشی خانواده، تلاش می‌کنند، پرداختیم و برخی از ارکان آن مانند: بیان الفاظ محبت آمیز و محترمانه، پرهیز از اهانت و دادن القاب ناشایست، پرهیز از اهانت به بستگان، بدون کنایه صحبت کردن، پرهیز از گروکشی در درخواست‌ها، پرهیز از درخواست‌های غیر ممکن یا مشکل و پرهیز از سخنان حساسیت‌زا، را بیان کردیم. اینک ادامه راهکارها:

رعایت رفتارهای ناپسند در بین اعضاء خانواده: برخی رفتارها یا تذکرها یا اساساً از اخلاق به دور است یا بیان آن در جمع، موجب خُرد شدن شخصیت زوجین یا فرزندان می‌گردد و در خانواده، نباید در انظار عمومی مطرح شود. لازم است این گونه رفتارها یا تذکرها، در حیطه‌ی اخلاق عملی یا دور از انظار

رسانه



غیر خانواده باشد تا موجب خُرد شدن شخصیت فرد، در خانواده نگردد.

عدم مقایسه: یکی دیگر از مشکلاتی که ارتباط زوجین را به شدت تخریب می‌کند، مقایسه باطن زندگی خود، با ظاهر زندگی دیگران است. این عمل انگیزه زندگی مسالمت آمیز را از افراد می‌گیرد و گرایش و محبتشان را نسبت به هم کور می‌کند.

یکی دیگر از راهکارهایی که خانواده به ویژه زوجین باید به آن اهتمام داشته باشند، مهارت حل مسئله است.

شاید در یک خانواده در حالت عادی، همه چیز خوب و آرام جلوه کند و هیچ مشکلی در بین آن‌ها وجود نداشته باشد اما همین که یک اختلاف نظر یا یک مشکل حاد در خانواده پیدا شود، کیان خانواده، رو به سستی رود. برای عدم بروز چنین چیزی، علاوه بر مهارت ارتباط موثر، مهارت حل مسئله هم لازم است.

در مورد مهارت حل مسئله می‌توان به چند نکته اشاره نمود:

فهم مسئله: اولین نکته در این زمینه این است که بفهمیم مشکل و ایراد چیست، این خود، گام مهمی در این زمینه است. در بسیاری منازعات خانوادگی، زوجین گاهی ممکن است ایراد و معایب خود را نبینند، برای همین نمی‌توانند در حل مسئله کمکی کنند. مثلاً کسی که شکاک است تا زمانی که نفهمد این ایراد در او هست و باید برطرف شود، نمی‌تواند به خود و خانوادگی خود در حل مسئله

رسانه

کمکی کند.

دوری از یکجانبه گرایی: کسی که در خانواده، خود را محور همه چیز بداند و حاضر به قبول نظر دیگران نباشد، حتی اگر در زمینه‌ای در موضع صحیح هم باشد به خاطر نوع نگاهی که دارد، نمی‌تواند کمکی در زمینه حل مسئله در خانواده داشته باشد. به شکل عمومی در خانواده‌ای که مرد سالاری یا زن سالاری یا حتی کودک سالاری باشد حرف، حرف یک نفر است و مابقی باید تابع باشند و این خود به جای حل مسئله، موجب تبعیت بدون منطق می‌شود که حتی تبدیل به آتش زیر خاکستر شده و موریانه‌وار ارکان خانواده را متزلزل می‌کند.

زمان طرح مسأله: هر زمانی برای بیان مسائل و مشکلات خانواده مناسب نیست، مثلاً وقتی مرد از محل کار به خانه مراجعه می‌کند، با توجه به خستگی و درگیری ذهنی نسبت به محل کار، ظرفیت مناسبی برای درگیر شدن با مشکلاتی که در خانه است، نداشته یا لاقلاً شنونده خوبی نیست یا قدرت تصمیم‌گیری مناسبی برای حل مسئله ندارد و یا این که

مرد، وقتی ببیند همسرش از کار روزانه در منزل خسته است، به او درخواست میهمانی به جایی بدهد که همسرش در آن زمان، مایل به آن نیست، مشکلات را مضاعف تر می کند. همین طور بانوان به خاطر تخییرات هورمونی ماهیانه از لحاظ سیستم عصبی ممکن است مشکل داشته باشند، باز زمان مناسبی برای حل و فصل مسائل نیست (مگر یک مسئله حاد و ضرب الاجلی)، لذا گاهی در این زمان پرداختن به مشکلات بیش از حل آن، ایجاد نزاع بین زوجین را بالا می برد.

دوری از تعصبات بیجا و عصبانیت: تعصبات نادرست یا تصمیم در زمانی که خشم بر انسان مستولی است، راه حل مسئله را بر انسان مسدود کرده و اجازه نمی دهد به راهی برای حل مشکلات دست یابد. حتی در این حالت اگر حرف کسی درست باشد، چون شنونده، تحت تأثیر نوع بیان گوینده قرار می گیرد، مانع بزرگی برای حل مسئله است.

زمینه های کسب مهارت حل مسئله

به طور قطع ما برای حل مسئله نیازمند آگاهی کامل و جامع هستیم. گاهی برای کسب آگاهی، نیاز است با افراد خُبره و اهل فن، مشورت کنیم و از افرادی که آگاهی مناسب نداشته یا به صورت یکجانبه سخن می گویند، به هیچ عنوان مشورت نگیریم. مطالعه کتاب یا مقالاتی که در زمینه مهارت حل مسئله نوشته شده یا مصادیق حل مسئله را بیان کرده، مفید است. در کنار این ها، عقلانیت و تجربه ای

که از زندگی مشترک داریم، می‌تواند چراغی برای روشن نمودن این مسیر باشد.

بارش فکری (پیشنهاد شیوه‌های مورد نظر): مرور راه‌های ممکن برای رسیدن به شیوه‌هایی که با آن می‌توان مسائل را حل و فصل کرد یکی از زمینه‌های مهم در مهارت حل مسئله است.

ارزیابی: پس از بارش فکری و ارائه شیوه‌های مختلفی که برای حل مسئله بین زوجین بیان می‌گردد، با ارزیابی آن، باید دید کدام یک با شرایط خانواده، قابل انجام یا عملی‌تر است.

تقید به عمل: گاهی زوجین برای حل مسئله، تمام راه‌ها را یکی پس از دیگری طی می‌کنند اما باز به بُن بست می‌خورند، علتِ عمده‌ی آن، نبود تقید به عمل، از طرف زوجین یا یکی از آنهاست. آن‌ها لازم است با توجه به مصالح خانواده، مسائل و مشکلات را حل کرده و نگذارند سستی و سهل‌انگاری، مانع تحقق حل مسئله شود. این تقید، غیر از این که می‌تواند باعث حل مسئله گردد، مُسبب دل‌گرمی زوجین نسبت به یکدیگر و به نوعی نشانه علاقمندی آن‌ها به هم و زندگی مشترکشان است که برای مشکلات بعدی و حل آن، اعتمادی بین زوجین به وجود می‌آید و الا هر مسئله، پُتکی به پیکر خانواده خواهد زد.

ادامه دارد

وقتی سخن از عدالت به میان می‌آید، ذهن‌ها بیشتر به سوی عدالت قضایی یا اقتصادی می‌رود. به گمان افراد، مقصود از عدالت فقط آن است که در محاکم قضایی به حق، داوری شده و حق هر صاحب حقی به او داده شود و در عرصه‌ی اقتصاد، همه افراد جامعه از مواهب مادی بهره مند شوند و در این عرصه، کوچکترین ستمی برکسی نشود. در حالی که عدالت به معنی آن است که در همه عرصه‌ها، حق و انصاف رعایت گردد. به همین دلیل، جامعه‌ای را جامعه عادل می‌دانیم که در همه حوزه‌های فردی و اجتماعی آن، عدالت حاکم باشد. بنابراین عدالت هم در روابط



فردی و هم در روابط اجتماعی، باید خود را نشان دهد. هم چنین در حوزه‌های گوناگون اجتماع، مثل سیاست، فرهنگ، اقتصاد، عدالت نیز حکم فرما باشد. این که در روایات اسلامی، امام مهدی (عج) به عنوان پرکننده زمین از عدالت معرفی شده است، می‌تواند به همین معنا باشد که ایشان عدالت را در همه عرصه‌های فردی و اجتماعی جاری خواهد ساخت. در واقع، ارزش‌های دینی و آمال و آرزوهای انبیا و اولیاء در پرتو عدالت مهدوی، به اجرا درآمده و فراگیر خواهد شد.

آثار فردی

انسان در وهله‌ی اول باید قابلیت‌ها و استعدادهای خود را تشخیص داده و آن را در مسیر رشد و تعالی خود به کار گیرد. این مستلزم شناخت درست و عملی صحیح است. در جوامع مختلف بشری، انسان‌ها به دلیل ناآگاهی و به دنبال آن، عمل و اقدام نادرست، استعدادهای الهی و انسانی خود را از بین برده و یا در مسیر نادرست به کار گرفته اند. امام مهدی (عج) در حکومت عدالت محور خود، این انحراف‌ها و کژی‌ها را راست کرده و در سایه‌ی تربیت مهدوی، فطرت‌ها بیدار شده و نیازهای حقیقی و واقعی انسان‌ها، مجال ظهور و بروز پیدا می‌کنند. افراد به دنبال پاسخگویی به ندای فطرت الهی خواهند بود و آرزوهای دروغین و خواہش‌های پوچ کم رنگ می‌شوند. این چنین است که شاهراه سعادت و بهروزی، به روی بشر گشوده خواهد شد. این نقطه آغاز اصلاح است که همه بدانند برای چه آمده اند و به کجا می‌روند و در این قرارگاه موقت، چه وظیفه‌ای برعهده دارند. بالاترین معرفت‌ها که معرفت نفس است، در دوران آن حضرت و

در سایه عدالت ایشان قابل دسترسی برای همگان است. آن روز زمینه و بستر آگاهی بخشی و تزکیه مردم به گونه‌ای است که همگان به این معرفت و آگاهی خواهند رسید و کلید گنج سعادت را به دست خواهند آورد.

رابطه با دیگران

آدمی گرچه تنها به دنیا می‌آید و تنها از دنیا می‌رود اما در این دنیا، بی تردید با دیگران زندگی می‌کند. بنابراین بزرگ‌ترین فصل کتاب زندگی او در رابطه با دیگران است. آدمی در رابطه با دیگران است که تصمیم می‌گیرد، حرف می‌زند و اقدام می‌کند. واکنش و موضع‌گیری او در برابر دیگران، بخش زیادی از روابط او را تشکیل می‌دهد. اگر این بخش از زندگی آدمی مسیری درست و پسندیده یابد، بسیاری از ارزش‌های الهی و انسانی تحقق یافته است.

صداقت، امانتداری، ایثار، سخاوت، گذشت، حُسن ظن و اعتماد به دیگران، تعاون، نصیحت، خیرخواهی و ده‌ها فضیلتِ دیگر در همین عرصه خود را نشان می‌دهد. با آمدن این فضیلت‌ها به عرصه‌ی روابط اجتماعی، جایی برای نفاق، خیانت، تنگ نظری، خودخواهی، انتقام، بددلی، بدگمانی، خودمحوری و سوء نیت باقی نمی‌ماند. عدالت واقعی و راستین آن است که به همه این‌ها در روابط انسانی پایان دهد، و گرنه در حکومتی که مردم آن ارتباطی ناسالم داشته باشند، چگونه انتظار برقراری عدالت و دادگری، در حوزه‌های مختلف می‌رود؟!

امام عصر علیه السلام که مظهر عدالت الهی است، مردم را چنان به قرآن و سنت

پیامبر ﷺ دعوت می‌کنند و تعالیم آن دو را در میان جامعه نشر می‌دهند که انسان‌ها به تزکیه الهی و معرفت خدایی دست می‌یابند و آن هدفی که در آیات قرآن برای رسالت انبیا مطرح شده، وَیُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ^۱ و آنان را (از آلودگی‌های فکری و روحی) پاکشان کند و به آنان کتاب و حکمت بیاموزد، عینیت می‌یابد.

در سایه عدالت مهدوی، امر به معروف و نهی از منکر احیا می‌شود و حضرت ﷺ و یاران ایشان، در این فریضه الهی پیشرو خواهند بود و به دلیل زنده شدن این ارزش قرآنی، همه ارزش‌ها و فضیلت‌ها، جان می‌گیرد. امام باقر ﷺ می‌فرمایند: الْمَهْدِي وَ أَصْحَابُهُ... يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ^۲ مهدی و یاران او امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند. جایی برای کینه و دشمنی، در قلوب مردم نمی‌ماند و وقتی کینه از دل‌ها رفت، بهانه‌ای برای خیانت، خودخواهی، انتقام، بدگمانی و... نخواهد بود و اخلاق مردم اخلاق محمدی و علوی خواهد شد. امام علی ﷺ می‌فرمایند: وَ قَدْ قَامَ قَائِمُنَا... لَذَهَبَتِ الشَّحْنَاءُ مِنْ قُلُوبِ الْعِبَادِ^۳ چون قائم ما قیام کند، کینه از دل‌ها بیرون رود.

روابط اجتماعی، براساس انسان دوستی شکل می‌گیرد. در نتیجه، اخلاق نیکو در جامعه‌ی بشری گسترش می‌یابد. هم چنین در سایه حکومت عدالت محور مهدوی، خداوند بی‌نیازی را در دلِ مردمان قرار می‌دهد و حرص و آزمندی از وجود انسان‌ها رخت می‌بندد. پیامبر گرامی اسلام ﷺ در وصف روزگار مهدی ﷺ می‌فرمایند: إِذَا خَرَجَ الْمَهْدِي ﷺ أَلْقَى اللَّهُ الْغَنَى فِي قُلُوبِ الْعِبَادِ^۴ چون مهدی خروج کند خداوند متعال بی‌نیازی را در

قلب‌های بندگان می‌اندازد.

حرص و طمع، ریشه بسیاری از تجاوزها و ستم‌های مالی و غیرمالی است. عدالت مهدوی در عرصه‌ی تربیت، انسان‌ها را از این رذیلت پاک ساخته و به گوهر غنا و بی‌نیازی می‌آراید و بدین سان راه را برای بسیاری از خوبی‌ها و صفات نیک می‌گشاید. بنابراین عدالت مهدوی در عرصه روابط فرد با دیگران، ضامن اخلاق و ارزش‌های اخلاقی است و این از مهمترین ارزشمندترین آثار عدالت است.

رابطه با خدا

انسان فطرتی خداجو دارند، چون بر این اساس آفریده شده است اما بر اثر تربیت نادرست و بسترهای نامناسب اجتماعی، انحراف و کژی در پرستش و عبودیت پیدا کرده که این انحراف، مادر همه انحرافات و بیراهه هاست. در حکومت عدالت محور امام عصر علیه السلام دین حق، به عنوان تنها راه سعادت، آشکارا بر همه، عرضه می‌شود و با مظاهر شرک و بت پرستی و کفر، برخورد می‌گردد چرا که هیچ ظلمی از شرک بالاتر نیست. وَإِذْ قَالَ لُقْمَانُ لِابْنِهِ وَهُوَ يَعِظُهُ يَا بُنَيَّ لَا تُشْرِكْ بِاللَّهِ إِنَّ الشِّرْكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ؛^ه (یاد کن) وقتی که لقمان در مقام پند و موعظه به فرزندش گفت: ای پسر عزیزم، هرگز شرک به خدا نیاور که شرک بسیار ظلم بزرگی است.

بنابراین برای این که عدالت و راستی و درستی در عرصه‌های مختلف زندگی بشر اجرا گردد، لازم است ریشه‌های شرک و کفر سوزانده شود. به همین جهت، سرلوحه برنامه‌های جهانی مهدوی، کفرستیزی و شرک زدایی است.

ابوبصیرمی گوید از امام صادق (علیه السلام) درباره این آیه شریفه پرسیدم که می‌فرماید: هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ؛ او کسی است که پیامبرش را با هدایت و دین درست، فرستاد تا آن را بر همه ادیان پیروز گرداند، هرچند مشرکان خوش نداشته باشند. آن حضرت در پاسخ فرمودند: وَ اللَّهُ مَا نَزَلَ تَأْوِيلُهَا بَعْدُ وَ لَا يَنْزِلُ تَأْوِيلُهَا حَتَّىٰ يَخْرُجَ الْقَائِمُ (ع) فَإِذَا خَرَجَ الْقَائِمُ (ع) لَمْ يَبْقَ كَافِرٌ بِاللَّهِ الْعَظِيمِ وَ لَا مُشْرِكٌ بِالْإِمَامِ إِلَّا كَرِهَ خُرُوجَهُ حَتَّىٰ لَوْ كَانَ كَافِرٌ أَوْ مُشْرِكٌ فِي بَطْنِ صَخْرَةٍ لَقَالَتْ يَا مُؤْمِنُ فِي بَطْنِي كَافِرٌ فَأَكْسِرْنِي وَ اقْتُلْهُ....^۶ به خدا سوگند! که هنوز تأویل این آیه نازل نشده است و نازل نخواهد شد تا آن که قائم (ع) قیام کند. پس هرگاه که قائم (ع) خروج کند، کافری نسبت به خدای بزرگ باقی نمی‌ماند و مشرکی نسبت به مقام امام (علیه السلام) نمی‌ماند، مگر این که از قیام او کراهت دارد....

۱- جمعه/۲

۲- بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۹، ص ۴۷

۳- همان، ج ۵۲، ص ۳۱۶

۴- بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۳۷، ص ۸۴

۵- لقمان/۱۳

۶- تفسیر اهل بیت (علیهم السلام)، ج ۶، ص ۱۲۸

داستان جدایی

تکرار داستان جدایی ابراهیم علیه السلام و هاجر در مکّه یا انتظار چهل روزی موسی کَلِم الله در کوه طور برای دریافت کتاب آسمانی، مانند داستان

هجران چهل روزه دلداره ای از دلبر خویش است؟!؟

برای خدیجه علیها السلام که هاجر خدمتکار کوشش اوست، خانه ی بی محمد صلی الله علیه و آله یعنی همان بیابان لم یزرع حجاز. چگونه می توان مصیبت هجران خدیجه ی بی محمد صلی الله علیه و آله را با اندوه هاجر بدون ابراهیم علیه السلام همسان دید.

برای کسی که زیبایی و نور هزاران ستاره و خورشید را فقط در سیمای محمد صلی الله علیه و آله می بیند، خانه ی بی محمد صلی الله علیه و آله، همچون زندان است. این بار این تَلْکِیْفِ سَخِیْ و سنگین، برای وارث

ابراهیم علیه السلام است تا خدیجه علیها السلام را که والا تر از هاجر است، چهل روز در غربت و تنهایی، رها کند تا هم محمد صلی الله علیه و آله را غرق در عبارت خود کند، بی آنکه یک آن به

خدیجه علیها السلام بیندیشد و هم خدیجه علیها السلام در خلوت چهل روزی خویش، فقط با

خدای محمد صلی الله علیه و آله مشغول راز و نیاز باشد.

این بار سخن از داستان ابراهیم علیه السلام و ذبیح اسماعیل علیه السلام نیست،

این بار قرار است یوسف و همل زلیخا را تا چهل روز به مسلخ برد.

در منای خانه ی آسمانی محمد صلی الله علیه و آله، چله ی هجران گرفتن و دل

بردن برای دل خدیجه ای که هر لحظه ی جدایی اش آینه ی قرن

هاست، هزاران بار سخت تر از سر بردن عزیزترین هاست، اما بانه عشق آموز

هستی، قلم سرنوشت را جز به جوهر حکمت، نیامیزد.

راز این سرنوشت چیست؟!!! چله‌ی غزلت و عبارت خورشید بطحا برای
جوشیدن کداملین چشمه است که بتواند بر زخم، سروری کند! چله‌ی
خلوت و مناجات آخرین سفیر عشق اکبرین، برای نزول کداملین کتاب
آسمانی!!

زیباترین بانوی پاکدامن حجاز، غریبان سر بر آستان خدای عشق، نهاده تا به الهامی،
پرده از راز این جدایی بردارد....

چهل روز امساک محمد ﷺ از تمام لذت‌های دنیا و اطوار با ماندن‌های بهشتی، به وصال
عاشقانه تری می‌انجامد.... وصالی از جنس نور که خداوند آن را در میوه‌ای بهشتی قرار داده تا
حبیبش آن را تناول کند و فاطمه علیها السلام این گونه از عرش، قدم بر فرش خدا تا مظهر کمال،
عفت و نجابت در زمین باشد.

خدیجه جان! بر خود میاهات کنید که فاطمه علیها السلام، مروارید صدف وجود نازنین
شماست. بر خود بیالید که زنان بهشتی از سوی پروردگار، کوثری از بهشت را
در آغوشان جای خواهند داد، کوثری که چشمه‌ی رحمت الهی را در خانه‌ی شما
جاری خواهد ساخت، چشمه‌ای که آب حیات است.

و اکنون ما سر بر سجده می‌نهم و می‌گوییم: قَبِّلَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ
و خداوند را بر نعمت ولایت و محبت فاطمه علیها السلام، همسر و فرزندان
سپاس می‌گوییم و از خداوند بزرگ تعجیل در فرج آخرین فرزندان را
مستلک می‌نمائیم: اَللّٰهُمَّ يَا فَاطِمَةُ يَا فَاطِمَةَ عَجَّلْ لَوْلِيِّكَ الْفَرَجَ.

غرب آسیا (خاورمیانه)، از نظر جغرافیایی سه قاره اروپا، آسیا و آفریقا را به هم متصل ساخته است. مهمترین آب راه های جهان: خلیج فارس، دریای عمان، دریای سرخ، دریای مدیترانه و هم چنین چندین نقطه از نقاط استراتژیک دنیا شامل تنگه هرمز و باب المندب در این منطقه قرار دارند. از نظر مذهبی هم خاورمیانه خاستگاه سه دین بزرگ آسمانی یعنی یهود، مسیحیت و اسلام است. ایران هم قلب خاورمیانه است و اهمیت مضاعفی از لحاظ ژئوپلیتیکی دارد چرا که ایران در مرکز منطقه خاورمیانه قرار گرفته و نقش قابل توجهی در

ایشه داشمنی

حوزه‌ی خلیج فارس به عنوان مهمترین حوزه‌ی انرژی جهان دارد. اهمیت نفت در چرخش صنعتی غرب، وجود بازارهای پر رونق منطقه به ویژه بازار ایران، دارا بودن ساحل طولانی و قابل استفاده در دریای عمان و خلیج فارس و وجود جزایر راهبردی در آن، دروازه ورود به اقیانوس هند و....

علاوه بر موارد فوق، ایران یکی از مهم ترین کشورهای مسلمان در جهان و با سابقه تاریخی بسیار دیرینه، بر همسایگان خود تاثیرگذار است. این ویژگی‌ها به خصوص همسایگی ایران با روسیه (شوروی سابق) باعث شده بود



که در زمان رژیم پهلوی، ایران به یکی از محورهای اصلی استراتژی آمریکا در خلیج فارس خصوصاً اجرای سیاست مهار شوروی تبدیل شود.

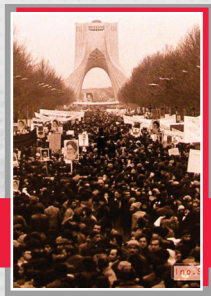
از مهمترین دلایل دشمنی آمریکا با ایران می توان به موارد زیر اشاره کرد:
- تا قبل از پیروزی انقلاب اسلامی، آمریکا حاکم بلامنازع منطقه خاورمیانه و فعال ترین دولت خارجی در صحنه سیاسی ایران بود و کشور ما هم به عنوان مهمترین و قوی ترین متحد استراتژیک آمریکا در خاورمیانه محسوب می شد. پیروزی انقلاب اسلامی در ایران ضربه سهمگینی بر تسلط آمریکا بر منطقه خاورمیانه و ایران وارد نمود و آمریکا یک متحد بزرگ و مصرف کننده مهم تسلیحات آمریکایی و یک منبع صدور نفت به اسرائیل و یک مانع بزرگ تقویت شوروی را از دست داد و منافع حیاتی او در خلیج فارس در معرض

خطر قرار گرفت.

- وقوع انقلاب اسلامی در ایران، نظم و ترتیبات امنیتی منطقه را به ضرر آمریکا تغییر داد و کنترل آمریکا بر منابع نفت و گاز و تنگه‌ی هرمز سخت شد. به دنبال انقلاب اسلامی، یک نظام سیاسی در ایران حاکم شد که ندای استقلال طلبی و حفظ حاکمیت بدون دخالت شرق و غرب سر می داد. این در حالی بود که آمریکا با روی کار آمدن هر دولت مستقل در کشورهای دیگر از جمله ایران چه سکولار و چه دینی، مخالف بود و آن را مخالف منافع ملی

خود می دانست. یکی از بهترین مصادیق این موضوع، کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ علیه دولت مصدق بود که با حمایت آمریکا صورت گرفت. بعد از این کودتا، کنسرسیوم نفتی تشکیل شد و سهم عمده‌ای از نفت ایران، به آمریکا تعلق گرفت. البته بعد از پیروزی انقلاب، این کنسرسیوم ملغی شد.

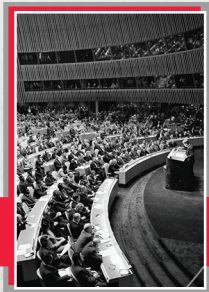
گری سیک مشاور امنیت ملی آمریکا در دوره ریاست جمهوری جیمی کارتر، در مصاحبه با مجله گفتگو درباره این موضوع گفت: به



عقیده من حادثه‌ای که واقعاً روابط ایران و آمریکا را دگرگون ساخت در سال ۱۹۷۲ رخ داد یعنی هنگامی که نیکسون رئیس جمهور وقت ایالات متحده و هنری کیسنجر، به ایران آمده و با ایران معاهده‌ای منعقد کردند که در نوع خود فوق العاده و استثنایی بود. آن‌ها از ایران خواستند که حفاظت از منافع

آمریکا را در منطقه خلیج فارس عهده دار گردد که شاه فوراً پذیرفت... با وقوع انقلاب، کل این خط مشی در هم ریخت و این از نظر ایالات متحده، فاجعه بود.

- هدف اصلی آمریکا در دوران جنگ سرد، حکمرانی بر جهان بود. وقوع انقلاب اسلامی ایران و آغاز تحرکات اسلام خواهانه و شکل گیری جنبش های جدید اسلامی که به موفقیت هایی نیز دست یافته بودند، زنگ خطر را برای حکمرانی جهانی آمریکا به صدا در آورد. گذشت زمان و قدرت گرفتن هر چه بیشتر جمهوری اسلامی ایران به خصوص بعد از جنگ سرد، آمریکا و به طور کلی غرب را به فکر فرو برد که چگونه می توانند این نیروی قدرتمند را مهار و در نهایت، نابود کنند. بر این اساس انقلاب اسلامی خطری مهم



برای حکمرانی جهانی آمریکا محسوب شده و می شود.

- انقلاب اسلامی ایران ظرفیت های اجتماعی اسلام را احیا کرد و موجب شد حرکت قابل توجهی در جهت باور به دین برای اداره جامعه در سراسر جهان به خصوص سرزمین هایی که سابقه ی فرهنگ ادیان ابراهیمی داشتند، آغاز شود. یکی از ابعاد این موضوع، ایجاد ظرفیت جغرافیایی-فرهنگی اسلام بود با این هدف که وحدت جهان اسلام و تشکیل اُمت واحده را تحقق بخشد. تشکیل حزب الله لبنان و جبهه ی مقاومت در کشورهای منطقه و شکست

رژیم صهیونیستی در جبهه‌های مختلف، پررنگ شدن نقش احزاب اسلامی در امور اجتماعی و سیاسی و ...، همگی از وجود ظرفیت‌های بالای اسلام



سیاسی حکایت دارند. تضعیف امنیت رژیم صهیونیستی که برای آمریکا اولویت خاصی داشت، یکی از مهمترین نتایج این موضوع بود.

با توجه به موارد فوق، تردیدی وجود ندارد که ریشه‌ی دشمنی آمریکا با ایران، صرفاً یک اصطکاک عمیق سیاسی نیست بلکه تقابل این دو کشور، در اعماق گفتمانی بوده و ناشی از دو جهان بینی و دو گفتمان با رویکردهای ایدئولوژیک است. آمریکا، پرچمدار لیبرال

دموکراسی و سکولاریسم و ایران، پرچمدار ایدئولوژی اسلامی است. با توجه به همین موضوع و در راستای مدیریت مطلوب منطقه غرب آسیا، آمریکا که ایران را به عنوان یک بازیگر تهدیدکننده می‌داند، به دنبال ایران ضعیف و تجزیه شده است. در واقع، آمریکا به دنبال آن است که از طریق فشار و تهدید و اهرم‌های حاکم در این نظم جهانی مثل قوانین حاکم بر سازمان‌های بین‌المللی و سازمان ملل، از افزایش نفوذ و تقویت نقش ایران در حوزه‌های مختلف جلوگیری کند.

آن‌ها در راستای استراتژی‌های بنیادین خود در منطقه، پروژه‌ی خاورمیانه بزرگ را طراحی کردند که هدف آن، تغییرات سیاسی در منطقه بود. این

تغییرات از طریق براندازی نرم مثل کودتای مخملی، براندازی سخت (نظامی) و نیمه سخت (تحریم ها و...) پیگیری می شود.

پروژه انقلاب مخملی به موازات سیاست تحریم، تهدید نظامی و با استفاده ابزاری از مفهوم حقوق بشر، در ایران هم چنان دنبال می شود. مؤسسات آمریکایی مثل مؤسسه تحقیقات اینتر پرایز^۱ با همکاری افرادی نظیر مایکل لدین، برنارد لوئیز و سام براون بک^۲ و بنیاد سوروس و صید نخبگان^۳ و ... در چارچوب این عملیات، نامتقارن فعالیت دارند. غایت این تاکتیک، تغییر رژیم ایران در قالب پروژه خاورمیانه بزرگ (جدید) است.



هم چنین متمرکز شدن هیأت حاکمه آمریکا بر روی شکاف های قومی و مذهبی کشورهای منطقه به ویژه کشورهایی که به تعبیر درایسدل و بلیک نویسندگان انگلیسی در کتاب جغرافیای سیاسی خاورمیانه و شمال آفریقا، درون گسیخته اند مانند ایران و عراق^۴. در این راستا آمریکا پدیده های ناسیونالیسم، طالبانیسم، داعش و پروژه های اسلام زدایی را در منطقه دنبال می کند.

اما این نویسندگان در مورد ایران می نویسند: اسلام هم چون ملاتی محکم، قومیت ها را در این کشور به هم پیوند زده است...^۵

برای براندازی سخت (نظامی) علاوه بر جنگ تحمیلی هشت ساله و عدم

موفقیت در آن، طراحی جنگ تحمیلی ۱۲ روزه علیه ایران بود که با هدف تضعیف، تسلیم و تغییر نظام جمهوری اسلامی صورت گرفت اما به اعتراف کارشناسان آمریکایی، این جنگ، با شکست رژیم صهیونی و آمریکا به پایان رسید و اقتدار نیروهای مسلح و پشتیبانی مردم از نظام جمهوری اسلامی را به نمایش گذاشت.

از ابتدای پیروزی انقلاب تحریم‌های مختلف و سختی بر ما تحمیل شد. یکی از راه‌های خنثی کردن تحریم‌های آمریکا و جلوگیری از انزوای سیاسی - اقتصادی ایران، عضویت ایران در سازمان همکاری شانگهای بود که با دیپلماسی فعال دولت سیزدهم، توانست به نتیجه برسد و موانع این موضوع، از سر راه برداشته شود و ایران با پیوستن به آن، به راحتی و بدون دخالت آمریکا و تهدید و تحریم‌های آن، مسیر پیشرفت اقتصادی را طی کند. این موضوع بزرگترین ضربه‌ای است که به آمریکا و غرب وارد شد و با عضویت رسمی ایران در آن، تمام نقشه‌ها و طراحی‌های غرب و آمریکا برای فشار به ایران خنثی شد و از طرف دیگر زمینه رشد اقتصادی ایران و سرمایه‌گذاری متقابل میان ایران و کشورهای عضو شانگهای فراهم گردید. این پیمان یک پیمان اقتصادی،



فرهنگی، نظامی و سیاسی است و موجب افزایش اقتدار و تاثیرگذاری ایران در مناسبات بین‌المللی و منطقه‌ای خواهد شد.



هم چنین با این عضویت، ایران می‌تواند نسبت به تغییر نقش دلار در تحریم‌های منطقه‌ای، ایفای نقش کند و از سوی دیگر بازار فروش کالاهای ایرانی از نفت تا سایر کالاها، به شکل راحت و آسان فراهم شود و مبادلات اقتصادی میان ایران و کشورهای عضو، بیشتر از قبل برقرار گردد.

واقعیت آن است که آمریکا در صدد تبدیل ایران به سرنوشت مشابهی همانند سوریه، عراق، لیبی، لبنان و یمن است و در این راه از

هیچ کوششی فرو گذار نخواهد کرد و مقاومت بهترین و عاقلانه‌ترین راه برای تامین منافع ملی در شرایط تهدیدات امنیتی، خواهد بود.

- ۱- سایر بنیادهای آمریکایی که کمک‌های سالانه در این زمینه ارائه می‌کنند. ر. ک. Index Grants ۲۰۰۲ and Foundation The
- ۲- ر. ک. خلیلی صص ۱۴۱-۱۶۰
- ۳- ر. ک. هفته نامه صبح صادق، ص ۸
- ۴- ر. ک. آلسدایر درایسدل و جو الداج، بلیک، جغرافیای سیاسی خاورمیانه و شمال آفریقا، ترجمه دره میر حیدر صص ۱۹۷-۲۲۷
- ۵- همان

ادب حضور

امام زمان علیه السلام سرچشمه زندگی است. بهترین راهکار عملی برای برقراری ارتباط با این سرچشمه زندگی، ادب حضور است یعنی خودمان را در محضر حضرت ببینیم و مطیع محض در ولایت و امامت شویم و تسلیم محض باشیم. در این جهت بهترین الگو حضرت ابوالفضل علیه السلام است. ببینیم که ایشان با امام زمانش یعنی امام حسین علیه السلام چه پیوندی برقرار کرد؟ ما هم همان گونه شویم. ایشان سراسر عشق، معرفت و ادب بود، آیا ما این گونه هستیم!!

اولویت

به محمد بن بشیر حضرمی خبر دادند که فرزندان توسط دیلمی‌ها اسیر شده، بیا برویم تا او را با پول آزاد کنیم. او در سپاه امام حسین علیه السلام بود. وقتی خبر به امام حسین علیه السلام رسید، حضرت از او خواستند که برود و هدیه‌ای یا پولی به آنان

اندکے درنگ

دهد تا آزاد شود ولی او گفت:
درنده‌های بیابان، مرا زنده زنده بخورند،
اگر من چنین کاری بکنم. پسرم گرفتار است، باشد
مگر پسر من از شما عزیزتر است؟ او حاضر به جدا شدن از
امام (علیه السلام) نشد. امام (علیه السلام) پنج لباس خوب به او داد تا به پسر دیگرش
دهد تا بفروشد و برادرش را آزاد کند.^۱

اسیر دنیا نبودن

مرد عطّاری بود که علاقه‌ی وافری به دیدن امام زمان (علیه السلام) داشت.
می‌گوید: در مغازه نشسته بودم که دو نفر برای خرید سدر و کافور
به در دکان آمدند، از گفتار و سیمای آنان دریافتم که اهل بصره
نیستند و از شخصیت‌های بزرگوار می‌باشند، از حال و دیار آنان
پرسیدم، آن‌ها کتمان کردند، هر چه اصرار نمودم، فایده‌ای
نداشت تا آخر الامر آن دو نفر را قسم به حضرت رسول (صلی الله علیه و آله)
دادم که خود را معرفی کنند، چون دیدند من دست
بردار نیستم، گفتند: ما از ملازمان و چاکران

اندک‌درنگ

درگاه حضرت ولی عصر علیه السلام هستیم،
شخصی از چاکران آن درگاه با عظمت از دنیا
رفته است، صاحب آن ناحیه، ما را مأمور کرده که از
تو سدر و کافور خریداری کنیم. فهمیدم که اینان از یاران آن
حضرت هستند، پی اختیار به دست و پای آن‌ها افتاده و تضرّع و
زاری کردم که حتماً باید مرا به آن حضرت برسانید. گفتند: مُشَرَّف
شدن به حضور آن سرور، منوط به اجازه‌ی ایشان است! گفتم: مرا
نزدیک آن حضرت ببرید، اگر اجازه داد زهی سعادت، وگرنه هیچ؟! با
اصرار من بالاخره راضی شدند. حرکت کرده و در بین راه دیدم، ابرها
به هم در آمده و شروع به باریدن کرد. اتّفاقاً من همان روز صابون
ریخته بودم و بر پشت بام مغازه گذاشته بودم تا بر اثر تابشِ
آفتاب خشک شود، همین که باران را دیدم یاد صابون‌ها افتاده
و پریشان خاطر شدم. تا این که به مکانِ مورد نظر رسیدیم
و خیمه‌ی حضرت را نشانم دادند، یکی از همراهان پیش

اندکے درنگ

تر رفت تا برای من اجازه‌ی ورود بگیرد.
اما امام علیه السلام فرموده بودند: او را برگردانید، زیرا
او مردی صابونی است. (یعنی او هنوز دل از تعلّقات
دنیا خالی نکرده و لیاقت حضور در این بارگاه را ندارد.) چون
چنین شنیدم، دانستم وقتی می‌توانم به زیارت آن جناب برسم که
دلَم را از آلودگی‌های مادی و معنوی پاک گردانم.^۲

دقت در کسب و کار

یکی از علما آرزوی زیارت حضرت ولی عصر علیه السلام را داشت و از عدم موفقیتِ
خود، رنج می‌برد. مدت‌ها ریاضت کشید و آن چنان که در میان طلاب
حوزه‌ی نجف مشهور است، شب‌های چهارشنبه به مسجد سهله
می‌رفت و به عبادت می‌پرداخت تا شاید توفیقِ دیدار نصیبش گردد.
مدت‌ها کوشید تا این که به او گفته شد: دیدن امام زمان علیه السلام برای
تو ممکن نیست، مگر آن که به فلان شهر سفر کنی. به
عشق دیدار، رنج این مسافرتِ طاقت فرسا را بر خود

اندکے درنگ

هموار کرد و پس از چند روز به آن
شهر رسید. در آن جا نیز چله گرفت و به
ریاضت مشغول شد. روز سی و هفتم و یا سی و هشتم
به او گفتند: الان حضرت در بازار آهنگران، در مغازه پیرمرد
قفل سازی نشسته اند، برخیز و به خدمت حضرت، شرفیاب شو!
با اشتیاق از جا برخاست. به دکان پیرمرد رفت. وقتی رسید،
دید حضرت ولی عصر علیه السلام آن جا نشسته اند و با پیرمرد گرم گرفته و
سخنان محبت آمیز به او می گویند. همین که سلام کرد، حضرت علیه السلام
پاسخ فرموده و اشاره به سکوت کردند. در این حال، پیرزنی ناتوان
و قدخمیده، عصازنان آمد و با دستی لرزان، قفلی را نشان داد
و گفت: اگر ممکن است برای رضای خدا این قفل را به مبلغ
سه شاهی، از من بخرید که من به سه شاهی پول نیاز دارم.
پیرمرد قفل را گرفت و نگاه کرد و دید بی عیب و سالم
است، گفت: خواهرم! این قفل دو عباسی (هشت

اندکے درنگ

شاهی) ارزش دارد زیرا پول کلید
آن، بیش از ده دینار نیست، شما اگر ده
دینار (دو شاهی) به من بدهید، من کلید این قفل را
می‌سازم و ده شاهی، قیمت آن خواهد بود! پیرزن گفت: نه،
به آن نیازی ندارم، شما این قفل را سه شاهی از من بخرید، شما
را دعا می‌کنم. پیرمرد با کمال سادگی گفت: خواهرم! تو مسلمانی،
من هم مسلمان، چرا مال مسلمان را ارزان بخرم و حق کسی را ضایع
کنم؟ این قفل هشت شاهی ارزش دارد، من اگر بخواهم منفعت
ببرم، به هفت شاهی می‌خرم زیرا در معامله‌ی دو عباسی، بیش از
یک شاهی منفعت بردن، بی‌انصافی است. اگر می‌خواهی بفروشی،
من هفت شاهی می‌خرم و باز می‌گویم قیمت واقعی آن دو
عباسی است، چون من کاسب هستم و باید نفعی ببرم، یک
شاهی ارزان‌تر می‌خرم! پیرزن باور نمی‌کرد زیرا از اول بازار
التماس کرد که سه شاهی خریداری کنند، قبول نکردند.

اندکے درنگ

پیرمرد هفت شاهی به او داد و قفل را
خرید و پیرزن با خوشحالی رفت.

امام علیه السلام رو به من کرده و فرمودند: این طور شوید تا
ما به سراغ شما بیاییم. چله نشینی لازم نیست، از همه این
شهر، من این پیرمرد را انتخاب کرده‌ام، زیرا این مرد، دیندار است
و خدا را می‌شناسد. از اول بازار، این پیرزن عرض حاجت کرد و چون
او را محتاج و نیازمند دیدند، همه در مقام آن بودند که ارزان بخرند
و هیچ کس حتی سه شاهی نیز خریداری نکرد و این پیرمرد به هفت
شاهی خرید. هفته‌ای بر او نمی‌گذرد، مگر آن که من به سراغ او
می‌آیم و از او دلجویی و احوال‌پرسی می‌کنم.

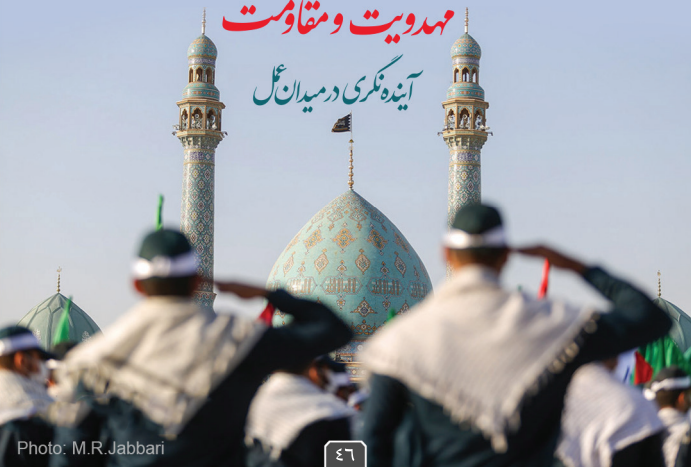
-
- ۱- ترجمه الامام الحسین علیه السلام، ص ۷۱- مقاتل الطالبیین، ص ۷۸
 - ۲- دارالسلام، محمود میثمی عراقی، ص ۱۷۲ - مطلع انوار، علامه محمد حسین
طهرانی، ج ۱، ص ۱۱۹
 - ۳- عنایات حضرت مهدی علیه السلام به علما و طلاب، محمدرضا باقی اصفهانی،
ص ۲۰۴-۲۰۲، به نقل از: سرمایه سخن، ج ۱

اندکے درنگ

باور به مهدویت، تنها یک عقیده اعتقادی نیست، بلکه نیرویی اجتماعی برای بیداری، امید و مقاومت در برابر ستم است. انتظار فرج در نگاه شیعه، دعوتی به کنشگری، اصلاح‌گری و ایستادگی در برابر انحرافات فرهنگی و ظلم جهانی است. مهدویت، مکتبی است که انسان را از سکون بیرون می‌آورد و به ساختن آینده‌ای عادلانه فرا می‌خواند.

در جهان امروز، فشار رسانه‌ای، فرهنگی و اقتصادی بر ملت‌ها، شدت یافته و واژه‌ی مقاومت، مفهومی چندبُعدی یافته و دیگر تنها به جبهه نظامی محدود نیست، بلکه در عرصه‌ی اندیشه، اقتصاد و فرهنگ نیز معنا دارد.

مهدویت و مقاومت آینده‌نگری در میدان عمل



در این میان، اندیشه مهدویت در فرهنگ شیعه، پشتوانه‌ای الهی برای مقاومت و پایداری است زیرا به انسان یادآور می‌شود که آینده از آن صالحان است و هیچ قدرتی نمی‌تواند وعده الهی را خاموش کند.

امید همراه با عمل

انتظار در فرهنگ دینی، سکوت و بی‌عملی نیست بلکه انتظار سازنده است. امام صادق (علیه السلام) می‌فرماید: مَنْ سَرَّهُ أَنْ يَكُونَ مِنْ أَصْحَابِ الْقَائِمِ فَلْيَنْتَظِرْ وَ لِيَعْمَلْ بِالْوَرَعِ وَ مَحَاسِنِ الْأَخْلَاقِ؛^۱ کسی که می‌خواهد از یاران قائم باشد، باید منتظر باشد و در حال انتظار، به پرهیزکاری و اخلاق نیکو رفتار کند. انتظار مهدوی یعنی اصلاح درون و اصلاح جامعه، یعنی آن‌که هر مؤمن در جایگاه خود، سهمی در آماده‌سازی جهان برای ظهور داشته باشد، از تربیت فرزند تا تولید اندیشه و از مقاومت فرهنگی تا کار اقتصادی سالم.

مقاومت، تجلی ایمان مهدوی

ریشه مقاومت، ایمان به آینده‌ای روشن است. وقتی انسان باور دارد که وعده‌ی الهی تحقق خواهد یافت، تسلیم ستم و سلطه نمی‌شود. خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: وَ نُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَ نَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ؛^۲

این آیه، اساس فلسفه‌ی مقاومت در نگاه مهدوی است، خداوند اراده کرده که مستضعفان وارث زمین شوند. بر همین اساس، هر ایستادگی در برابر ظلم، فساد و تحقیر انسان‌ها، در مسیر مهدوی قرار می‌گیرد.

ملت‌های مؤمن به مهدی موعود (علیه السلام)، با امید به آینده، نه از روی خشم، بلکه با آگاهی و عزت، در برابر تحمیل و تحقیر می‌ایستند. چنین مقاومتی، عقلانی،

اخلاقی و سازنده است.

مهدویت در بُعد اجتماعی

در روزگاری که رسانه‌ها سعی در ترویج ناامیدی، بی‌تفاوتی و مصرف‌زدگی دارند، مهدویت، روح امید و کرامت را در جامعه زنده می‌کند. جوانی که به مهدی علیه السلام باور دارد، خود را سرباز جبهه‌ی عدالت می‌داند، حتی اگر میدان او قلم، علم یا خدمت اجتماعی باشد. مقاومتِ مهدوی، تنها جنگیدن نیست بلکه زیستن با عزت، امید و کارآمدی است. از سوی دیگر، مهدویت از مقاومت کور و خشونت‌زا فاصله دارد. این مقاومت، هدفش ساختن جامعه‌ای انسانی و الهی است، مقاومتی برای اصلاح، نه انتقام.

پس می‌توان گفت مهدویت، مکتبِ انتظارِ آگاهانه و امیدِ مسئولانه است. جامعه‌ای که این باور را در جان خود، زنده نگه دارد، در برابر هر هجمه‌ی فرهنگی و اقتصادی، مقاوم و سربلند خواهد بود.

مقاومت مهدوی از ایمان می‌جوشد و با اخلاق معنا می‌گیرد. هر قدم در راه عدالت، قدمی در راه ظهور است و هر دل امیدوار، چراغی است در مسیر طلوع خورشید.

سعید امامی

۱- غیبت نعمانی، ج ۱۱، ح ۱۶، ص ۲۸۶
۲- قصص ۵/

در شماره‌های قبل به تحقیق و بررسی در آیین زرتشت پرداخته و به یکی از ایرادات جدی بر اعتقادات زرتشتی درباره باور به خدا (ثنویت) برخوردیم و آن را مورد نقد قرار دادیم. از دیگر ایرادات آیین زرتشت، ایرادی است که به وثاقت اوستا، مهمترین کتاب مقدس زرتشتیان وارد است. اما مسئله فقط به عدم وثاقت به لحاظ تاریخی نیست، بلکه نقدهایی در حوزه‌ی محتوا نیز بر اوستا وارد است. در مورد مسائل اعتقادی قبلاً نقدهایی بر باور زرتشتیان نسبت

باستانگرایی



به قبول ثنویت که ریشه در برخی مسائل اوستا داشت، صورت گرفت اما نقد دیگری که می‌توان بر اوستا وارد کرد، احکامی است که در اوستا نگاشته شده است. قبل از بیان برخی از این احکام، نگاهی به دیدگاه اسلام به احکام می‌اندازیم تا یک نقد محتوایی را از دریچه تطبیق، انجام داده باشیم.

در همه ادیان اعم از الهی و غیر الهی برای پیروان خود بایدها و نبایدهایی در حوزه احکام بیان شده است که پیروان آن دین یا مکتب لازم است بر آن چه بیان شده، به صورت عملی، پایبند باشند و پایبند بودن به آن احکام، نشان از باور به اصل اعتقاد، تلقی می‌شود. مثلاً غسل تعمید در مسیحیت، یک حکم شرعی است که یک مسیحی، برای نشان دادن اعتقاد خود، باید آن را انجام داده باشد یا مراسم روز مقدس شنبه برای یهودیان یا جشن سده برای زرتشتیان و نماز برای مسلمانان.

حال این که این احکام، چه فلسفه‌ای را دنبال می‌کند خود جای بحث دیگری است. اما به صورت معمول الزاماتی در تشریح احکام برای پیروان یک باور باید وجود داشته باشد. در اسلام (اسلام شیعی) احکام دارای یک چارچوب مهم برای پیروی از آن است که به جرأت می‌توان گفت چنین چارچوب جامعی در هیچ کدام از ادیان موجود، وجود ندارد. به برخی از این چارچوب‌ها به صورت مختصر اشاره می‌کنیم:

- دارای منشاء الهی و یا به تقریر معصوم (علیه السلام): حاکم شرع در اسلام خداست و احکام باید از ناحیه خداوند، تشریح و به وسیله ولی معصوم بیان شود.
- وسیله‌ای برای ابراز بندگی: انجام احکام اعم از انجام واجبات و ترک محرمات برای ابراز بندگی به درگاه خداوند است.
- تشکر از نعمات الهی: انجام واجبات و ترک محرمات، در اسلام به نوعی

سپاسگزاری انسان از خداوند است که نعمت‌های بی شماری را به او عنایت کرده است.

- نشانه محبت مخلوق به خالق: انجام احکام، اهمیت دادن به حرف خداوند و نشان از محبت انسان به خالق عالم است.
- سبب ارتقاء درجه و کسب کمالات معنوی.
- مطابق با علم یا فطرت انسان.

- در صورت عدم کشف علمی چرایی احکام (تعبدی) خرد ستیز نباشد: مثلاً ممکن است ما نتوانیم به لحاظ علمی توجیه کنیم که چرا در رکعت اول نماز بعد از سوره حمد یک سوره‌ی دیگر هم تلاوت شود اما عمل به این فعل با عقل انسان، در تضاد نیست.

- عدم ایجاد عُسَر و حَرَج برای انجام آن: انجام احکام نباید سختی طاقت فرسایی را که به انسان آسیب بزند، تحمیل نماید.

- دارای عدالت یا مساوات بین انسان‌ها باشد و تبعیض نداشته باشد.
- شرایط زمانی و مکانی در نظر گرفته شود: مانند مسئله نماز و روزه مسافر.
- موجب تقویت یادِ خداوند، در درون انسان شود.

حال وقتی نگاهی به برخی احکام زرتشتی می‌اندازیم مخالف برخی از این امور است که پذیرش آن به صورت عقلی، درست به نظر نمی‌رسد که برخی از آن‌ها را بیان می‌کنیم:

تبعیض نژادی در احکام آیین زرتشت:

اگر مزداپرستی بخواهد پزشکی کند، نخستین بار کارآزمودگی و چیره دستی خویش را بر چه کسی باید بیازماید؟ بر مزداپرستان یا دیوپرستان؟
پاسخ: بهتر آن است که نخستین بار، کارآزمودگی و چیره دستی خویش را بر

دیو پرستان بیازماید تا برمزدپرستان. اگر سه بار هنگام درمان، دیوپرستان با کارد بیمار بمیرند، آن مزدپرست، همواره پزشکی ناشایسته است ... اگر او به درمان مزدپرست دست زند ... پادافره (مجازات) گناهش، کشتن آگاهانه بر او رواست...^۱

مجازات کشتن سگ آبی:

زدن بیست هزار ضربه تازیانه بر او، جمع آوری سی هزار بسته هیزم جهت آتش اهورمزدا و خیرات آن برای سگ آبی، آماده کردن ده هزار زور (نوشیدنی مقدس)، کشتن ده هزار مار، ده هزار گربه، ده هزار لاک پشت، ده هزار قورباغه خشکی زی، ده هزار مورچه، ده هزار کرم خاکی، ده هزار مگس، پُر کردن بیست هزار گودال...^۲

مجازات دادن استخوان سخت یا غذای داغ به سگ:

مجازات کسی که به سگی استخوان بسیار سخت یا غذای بسیار داغ بدهد، که در اثر آن غذا، سگ آسیب ببیند یا بمیرد یا سگ آبستن را بزند یا سگ را بترساند، پشوتنو (مرگ ارزان و کسی که گناهش بخشودنی نیست) می باشد...^۳

این بخش کوچکی از برخی احکامی است که در کتاب وندیداد (کتاب احکام زرتشتیان) که از کتب پنجگانه اوستا می باشد، بیان شده و باز از این حیث احکام بسیاری وجود دارد که در این جا ما به همین میزان بسنده می کنیم.

ادامه دارد

محمدعلی غیبی

۱- وندیداد، فرگرد هفتم - بخش ششم
۲- همان، فرگرد چهاردهم - بخش یکم
۳- همان، فرگرد پانزدهم - بخش یکم، بند ۳ تا ۶

شرط قبولی

مولای من! خوب می‌دانم که مسلمانی‌ام، با ولایت شما
گره خورده است. می‌دانم سال‌ها عبادت و بندگی، بدون
پذیرش ولایت شما و اجداد طاهرين شما، به اندازه‌ی سر
سوزنی هم ارزش ندارد که امام صادق (علیه السلام) می‌فرمایند: به
خدا قسم اگر شخصی روز را روزه بگیرد و شب را به نماز
ایستد، ولی بدون پذیرش ولایت ما از دنیا برود، در حالی از
دنیا رفته که خداوند از او ناراضی و خشمگین است.^۱
چه عابدان و زاهدانی که شب تا صبح نماز خواندند و به
جایی نرسیدند، چون دستشان از دستان شما جدا بود.
عمری دویدند و نفهمیدند که نماز بی‌ولایت شما، عبادتی
بی‌وضو است!

مولا جان دستم را بگیر. مبدا روزی، حتی لحظه‌ای از
زندگی‌ام، بدون شما و یاد شما بگذرد.

۱- بحارالانوار، ج ۲۷، ص ۱۹۰- تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۸۹

واژه‌های آرامش

بعضی وقت‌ها جمله‌هایی هستند، کلماتی وجود دارند که هیچ وقت تکراری نمی‌شوند! اصلاً باید هر روز، همیشه، هر ساعت تکرارشان کرد، تا یادمان نرود! مثل جمله دوست دارم! مثل یک جمله که یادگاری از امام مهر و عطوفت، امام رضا علیه السلام است. واژه، واژه‌ی این جمله آرامشی توصیف ناشدنی را به ما هدیه می‌دهد. در هر حالتی، در بدترین و تلخ‌ترین و سیاه‌ترین اوقات... کلمات این جمله یادمان می‌اندازد که تنها نیستیم. «الإمامُ الْأَنَسِيُّ الرَّفِيقُ، وَالْوَالِدُ الشَّقِيقُ، وَالْأَخُ الشَّقِيقُ، وَالْأُمُّ الْبَرَّةُ بِالْوَلَدِ الصَّغِيرِ...» امام، همدم و رفیق و پدری مهربان است و برادرِ همسان است و مادرِ مهرورز به طفل کوچکش.

یا صاحب الزمان! بعضی وقت‌ها که یادمان می‌رود، تنهای تنها می‌شویم، شما ما را یاد این کلمات و واژه‌های بهشتی بیندازید! ما از خودمان چیزی نداریم. فقط این که شما را دوست داریم.

صدقه‌ی هوشمندانه

آیت الله آقا مجتبی تهرانی رحمته الله علیه می فرمودند: اگر می خواهی صدقه بدهی، همین طوری صدقه نده، زرنگ باش، حواست جمع باشد، صدقه را از طرف امام رضا علیه السلام برای سلامتی امام زمان علیه السلام بده، برای دو معصوم است، دو معصومی که خداوند آن ها را دوست دارد. ممکن نیست خداوند این صدقه تو را رد کند، تو هم این جا حق واسطه گری ات را می گیری، تو واسطه ای و همین حق واسطه گری است که اجازه می دهد بتوانی به مراحل خاص برسی.

گام آخر

درست زمانی که فکر می کنی دیگر نمی توان کاری کرد و شکست را حتمی می بینی، چیزی به پیروزی نمانده است. کافی است گام آخر را برداری تا نصرت الهی برسد و وعده ی خدا تحقق پیدا کند، این باور شیعه است. شیعه تا آخرین لحظه، حتی با خنجر در سینه، جسمی سوخته، یا گلولی بریده شده و... ایستاده است و ان شاء الله پرچم را به دست صاحبش خواهد داد.

دلیل دلگرمی

طبیعی است وقتی چشمان از دیدارتان محروم است و صدایتان به گوشمان نمی‌رسد یا وقتی دشمنان علیه شما بمی گویند و می‌نویسند اما....، بغض و دلتنگی نصیبمان می‌شود....
اما اگر گرمی حمایت شما در لحظات سخت زندگی نبود، خیلی پیش‌تر از این‌ها همه‌چیز را رها می‌کردیم... همین امید آمدن شما و تصور زندگی در کنار شماست که دلگرممان می‌کند....
و الا مهدی جان! دنیای بی‌شما هیچ لطفی ندارد...

دست یاری گر

در این آخرین فصل‌های انتظار و دردآورترین دقایق عمر جهان، سردرگم از فتنه‌های شیطان و دست به گریبان نفس اماره...
دستانم خالی است و چشمانم گریان...شانه‌هایم دیگر تحمل بار سنگین معصیت را ندارد. تنها کورسوی اُمیدم نگاه پُر مهر شما و دست یاری گر شماست. تقلا می‌کنم تا رها شوم از غل و زنجیر گناه.
آقا جان! کمکم کن که چشم اُمیدم به دست‌های پُر مهر شماست.



سخنرانی استاد حاج شیخ علیرضا حدائق مسئول بنیاد مهدویت استان فارس
در حرم مطهر امام حسین (علیه السلام)





سخنرانی پیش از خطبه‌های نماز جمعه شیراز توسط حجت الاسلام والمسلمین
شیخ محمد حسین حدائق قائم مقام بنیاد مهدویت استان فارس





برگزاری دعای ندبه همزمان با دهه اول شهادت حضرت زهرا (ع)
مهدیه بزرگ شیراز





برگزاری جلسه قائم مقام بنیاد مهدویت فارس با سازمان فرهنگی، اجتماعی، ورزشی
شهرداری شیراز





آیین سه شنبه‌های مهدوی در جمع کارکنان شرکت بهره برداری نفت و گاز زاگرس جنوبی
با سخنرانی حضرت استاد حاج شیخ علیرضا حدائق مسئول بنیاد مهدویت
استان فارس





برگزاری جلسه قائم مقام بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود علیه السلام فارس
با مدیر کل سازمان تبلیغات استان فارس در دفتر بنیاد





برگزاری مراسم استغاثه به امام زمان علیه السلام در حرم مطهر سید علاءالدین حسین علیه السلام
با همکاری بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود علیه السلام فارس





برگزاری دوره مقدماتی مهدویت- دانشگاه فرهنگیان شهید مطهری شیراز





برگزاری سه شنبه مهدوی در مساجد شیراز
بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود علیه السلام فارس





برگزاری اولین دوره معارف مهدویت جهت کارمندان بانک ملی در سطح کشور
بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود علیه السلام فارس





برگزاری کارگاه خانواده مهدوی اداره کل صنعت و معدن
بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود علیه السلام فارس





برگزاری جلسه تشکیل کارگروه ترویج فرهنگ مهدویت در دانشگاه دولتی فسا
بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود (عج) شعبه شهرستان فسا





برگزاری مراسم سوگواری دهه اول فاطمیه - بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود
شعبه شهرستان فسا





برگزاری جلسه ترویج معارف مهدویت و فرهنگ انتظار در خانواده
بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود (عج) شعبه شهرستان فسا





برگزاری مراسم پرفیض دعای ندبه هیأت رزمندگان اسلام با سخنرانی استاد حدائق
مسجد جامع شهرستان سروستان





برگزاری جلسه هفتگی سه شنبه‌های مهدوی علیه السلام در مرکز زینبیه خواهران
شهرستان فراشبند





برگزاری جلسه شورای برنامه ریزی فعالیت های مهدوی علیه السلام
بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود علیه السلام شعبه شهرستان فراسیند



سه شنبه های مهدوی



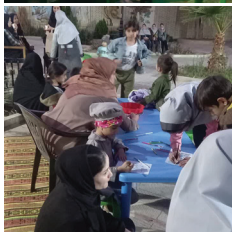
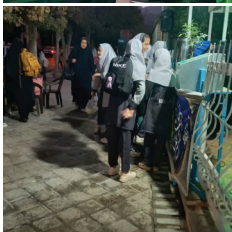
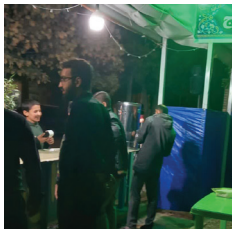
برگزاری سه شنبه مهدوی در مدرسه تمدن سازان ایران اسلامی
بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود (عج) شعبه شهرستان فراسیند





برگزاری دعای پرفیض ندبه- بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود
شعبه شهرستان خفر





برگزاری سه شنبه مهدوی همزمان با روز دانش آموز و شهادت حضرت فاطمه زهرا (ع)
هیأت خادم المهدی و بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود (عج) شعبه شهرستان استهبان





برگزاری دعای ندبه و اهدا جوایز نقدی توسط شهردار محترم میانشهر
به ۱۲۰ نفر از نونهالان و نوجوانان شرکت کننده در دعا
بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عج شعبه میانشهر





برگزاری مراسم پر فیض دعای ندبه در آستانه‌ی شهادت حضرت فاطمه زهرا (ع)
بنیاد فرهنگی مهدی موعود (عج) میمند





برگزاری سه شنبه مهدوی همزمان با شهادت حضرت زهرا (ع)
در امامزاده سید شاه نور- بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود (ع)
شعبه شهرستان میمند

